

عنوان مقاله:

گزارشی از وضعیت متون درسی و کمک درسی رشته تاریخ، باستان شناسی و هنر در دانشگاه های ایران در ده سال گذشته

محل انتشار:

کنگره ملی علوم انسانی (سال: 1385)

تعداد صفحات اصل مقاله: 7

نویسنده:

صادق ایینه وند - رئیس گروه تاریخ، باستان شناسی و هنر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

خلاصه مقاله:

با عرض ادب خدمت استادان بزرگوار و دانشمندان و فرهیختگان. عرض شود به حضورتان این گروهی که من می خواهم درباره آن خدمت شما گزارش بدهم شامل بخش های زیر است: تاریخ، تاریخ تمدن، تاریخ فرهنگ، باستان شناسی و تاریخ هنر. تاریخش هم تقسیم می شود به تاریخ ایران و تاریخ اسلام. بنابراین من امیدوارم که بتوانم اجمالاً عرض گزارشی کرده باشم. مشکل ما در ایران بحث تاریخ است که هنوز به عنوان یک علم استنادی و یک بخش صنعتی به آن نگاه می شود. و حال این که به قول آن شاعر دیرگاه هست که در خانه ی همسایه من خو انده خروس. ما حداقل به همسایه ی عرب خودمان نگاه می کنیم در فهم و درک و طرح تاریخ چهل سال از ما جلوترند. البته یک زمانی وقتی ما به سیر تاریخ نگاه می کنیم. سفیان ثوری می گفت لما استعمل الروات الكذب استعملنا لهم التّ اریخ یعنی تاریخ را فقط برای کمک به علم رجال به کار می گرفتند که این در حقیقت روابط را بشناسند و از شرح زندگیشان تا بتوانند بر اساس آن احادیث را پیدا کنند برای کاربرد فقهی. سخاوی و س یوطی و حتی کسانی چون ز هری از تاریخ بیشتر از این انتظار نداشتند. با آمدن ابن مسکویه و ابن خلدون در غرب عالم اسلامی تاریخ رفت توی فضایی که با علم الاجتماع گره خورد. خوب آثارشان مشخص است که در این محضر من نیاز نمی دانم که آنها را ذکر کنم. در حقیقت این تحول هم چنان پیش آمد تا این که اخیراً با آمدن متفکران معاصر که در اروپا کار کردند تاریخ دوباره به یک سبک دیگر وارد علم الاجتماع شد که از منتسکیو به این طرف یک تحولاتی حاصل شد که نگاه هایمان به آن رویکرد اجتماعی به سوی تاریخ جلب کرد. بعضی هم علم و تحولات جامعه را در کشور نوش تند که حالا من ذکر نمی کنم. مارکسیست ها در واقع تاریخ را آوردند توی فضایی برای خودشان تقسیم کردند با یک طرح خاصی که آن را در حقیقت بر تاریخ تحمیل کردند. طرحشان جواب نمی داد ولی با اولین نقدی که در حقیقت رژه دوباره کرد خوب تاریخ شان شکست خورد و آن طرحشان هم شکست خورد و خودشان هم آن ها با شیوه تولیدی آسیائی شان همین شکست را اعلام کردند. متفکرانی از میان عرب آمدند مانند جابری مانند رضوان السید مانند حنفی که اینها هم فیلسوف اند هم مورخ اند چون الان دیگر تاریخ با فلسفه بیشتر گره خورده و از علم الاجتماع دارد فاصله اش بیشتر می شود حالا دیگر دقیقاً وقت طرح جدید تاریخ با فلسفه است. تاریخ را آورده اند توی بحث غنیمت و قبيله و عقیده طرحی که جابری مطرح کرد. در حقیقت هم ه ی تاریخ با این عنای ت عقیده است. بعد قبيله است یعنی حزب و دسته و غنیمت یعنی بهره هایی که انسان از تاریخ می گیرد.

کلمات کلیدی:

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/100605>

